payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

عید سعید غدیر خم مبارک

سال هشتم دوره جدید، شماره ۱۸۸۶
(شماره مسلسل ۲۲۸۶، سال نوزدهم)
چهارشنبه / ۶ آمرداد / ۱۴۰۰
۱۷ / ذوالحجه / ۱۴۴۲
28 / July / 2021
۸ صفحه / قیمت ۳۰۰۰۰ ریال

شماره پیامک ۳۰۰۰۴۸۰۲۶۰۰۶۶۰

رحمانی فضلی:

بر اساس قانون وزیر کشور در عزل شهرداران هیچ اختیاری ندارد

۳

سردار محمدیان خبر داد،

کشف ۳۴ کیلوگرم مواد روان گردان شیشه در فردیس

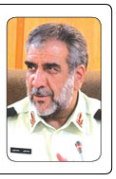

۲

مدیر کل آموزش و پرورش البرز،

آموزش و پرورش باید به یک گفتمان اجتماعی تبدیل شود

۵

با حضور سازمان انرژی اتمی انجام شد:

راه‌اندازی هفتمین مرکز یون‌درمانی دنیا در البرز

۲

۱

گرانی مرغ قابل پیش بینی بود، آدرس غلط دادند

رئیس هیات مدیره کانون سراسری مرغداران گوشتی با اشاره به اینکه قیمت مرغ در برخی شهرها به ۴۵ هزار تومان افزایش یافته است از سومدیریت های صورت گرفته در این حوزه به شدت انتقاد کرد ...

۶

پایان چهارمین روز کاروان ایران بدون اتفاق خاص

چهارمین روز از سی و دومین دوره بازی‌های المپیک توکیو دیروز سه‌شنبه پنجم مرداد ماه تنها با برگزاری دو مسابقه میکس در تیراندازی برای کاروان ایران دنبال شد تا یکی از خلوت ترین روزهای ورزشکاران کشورمان باشد ...

۷

راه‌اندازی سامانه ارتباطات مردمی دیوان محاسبات کشور

۲

سرمقاله

ذی‌نفعان رانت سیمانی

:: حسن خوشپور ::

صنعت سیمان از نظر طبقه‌بندی بازارهای کالایی و کسبوکار و همچنین به لحاظ تنوع و تعدد ارتباط‌های پیشین و پسین با دیگر رشته‌های صنعتی و فرآیندهای تولید، برای کشور از اهمیتی اساسی برخوردار است.

سرمایه‌های زیاد و ارزشمندی در سطح کلان مصرف شده است تا کشور به ظرفیت اسمی نزدیک به ۹۰ میلیون تن تولید سیمان برسد و مالکان فرآیندهای اصلی تولید سیمان در ایران از اقشار ارزشمند جامعه هستند که کشور برای همیشه مدیون آنهاست. علاوه بر کارخانه‌های تولید، سیمانی که بخش خصوصی سهامداران اصلی آنها هستند، سهم اصلی تولید متعلق به صنایع تحت تملک صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح (شرکت سرمایه‌گذاری غدیر)، سازمان تامین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری است. در حال حاضر توان اسمی تولید سیمان در کشور درسطحی است که امنیت لازم را برای بازار مصرف فراهم کرده است و تقریبا درصورتی که تا ۸۰درصد ظرفیت آن استفاده شود، بازار لطمه‌ای نمی‌بیند...

ادامه در صفحه ۲

در این شماره می خوانید،

۲ آغاز حذف نقاط بی دفاع شهری در مرکز تهران
۴ معرفی کتاب
۵ هوارمان ایران ثبت جهانی شد
۶ یک عرضه اولیه در راه است
۷ سردار آزمون در آستانه انتقال بزرگ اروپایی
۸ چرا دیوار می‌سازیم؟

واقعه غدیر؛ نفی اسلام سکولار

غدیر؛ عید امید آفرینی در دل‌ها

مسئله‌ی غدیر بخشی مهم از طرح کلی و نقشه‌ی راه اسلام است که نسبت به امور دنیوی، مسائل اجتماعی، سیاسی و حکومتی سخن، طرح و برنامه دارد. رهبر انقلاب درباره‌ی رابطه‌ی میان مسائل اجتماعی و سیاسی واقعه‌ی غدیر با سکولاریسم چنین می‌فرمایند: «آن کسانی که سعی کردند اسلام را از مسائل اجتماعی و از مسائل سیاسی برکنار بدارند و آن را منحصر کنند به مسائل شخصی و مسائل خصوصی زندگی افراد- و در واقع نگاه سکولار به اسلام داشته باشند که تبلیغات دشمنان و دستهای دشمنان هم این بینش را در بین مسلمانان در طول سالیان دراز ترویج کرده است- جوابشان مسئله‌ی غدیر است.» بنابراین چه رابطه‌ای میان مسائل اجتماعی و سیاسی و غدیر وجود دارد؟

سکولاریسم درجات و ابعاد و مراتبی دارد که نصب علی علیه‌السلام در روز عید غدیر، همه‌ی مراتب و درجات یا ابعاد آن را نفی می‌کند. مرتبه و درجه‌ی اول سکولاریسم این است که دین برای آخرت مردم و رابطه‌ی خدا و بندگان است و به امور دنیوی انسان به‌طور کلی کاری ندارد و برای آن طرح و برنامه‌ای ندارد. طبق این نظر، اسلام حتی در امور فردی هم جز آنچه مربوط به آخرت و عبادت خداست، نظری ندارد.

مرتبه و درجه‌ی دوم سکولاریسم این است که محدودی دین گرچه دنیا را دربرمی‌گیرد، ولی ویژه‌ی مسائل فردی است و مسائل اجتماعی از قلمرو دین خارج هستند. این مرتبه از سکولاریسم می‌گوید دین برای مدیریت زندگی اجتماعی بشر برنامه‌ای ندارد و آن را به عقل و تجربه‌ی بشری واگذار کرده است. مرتبه و درجه‌ی سوم سکولاریسم ناظر به مسائل سیاسی و حکومتی است. نقطه‌ی محوری این درجه و مرتبه‌ی سکولاریسم این است که دین از سیاست جداست. سیاست یک امر زمینی است که انسان‌ها خود باید برای آن برنامه‌ریزی کنند و آن را اجرا کنند و دین برای مسائل حکومتی و سیاسی برنامه‌ای ندارد و نباید در آن دخالت کند.

نخست باید تصویر درستی از مسئله‌ی غدیر و ابلاغ ولایت داشته باشیم. نصب امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام از سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یک رفتار شخصی و آینده‌نگری شخصی نبوده است، بلکه ایشان به دستور خدا این موضوع را ابلاغ می‌کند. یعنی حتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌عنوان یک شخص که حاکم اسلامی و قول‌ولیّ جامعه‌ی خود است، حاکم و نقشه‌ی راه پس از خود را تعیین نمی‌کند، بلکه ایشان تعیین حاکم اسلامی پس از خود و نقشه‌ی راه را به‌عنوان بخشی از دین که مأمور به ابلاغ آن است، معرفی می‌کند؛ یعنی این سیستم حکومتی و حاکم، بخشی از دین و آن‌هم بخش اساسی دین است که به یک معنا معادل کل رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا آن مقطع (یعنی سال پایانی عمر شریف آن حضرت) محسوب می‌شود و به عبارت دیگر، اساسی‌ترین رکن دین است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مأمور به ابلاغ آن است.

وقتی این نصب حتی مصلحت‌اندیشی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم نیست، بلکه در متن دین اسلام است و از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول آن محسوب می‌شود، پس اسلام در متن خود نسبت به امور دنیوی (درجه‌ی اول سکولاریسم) و مسائل اجتماعی زندگی بشر (مرتبه‌ی دوم سکولاریسم) و درخصوص مسائل سیاسی و حکومتی (درجه‌ی سوم سکولاریسم) سخن و طرح و برنامه دارد.

کنار زدن علی علیه‌السلام از منصب امامت و ولایت جامعه در صدر اسلام، نقطه‌ی آغاز سکولاریسم در جامعه‌ی اسلامی است. نصب آن حضرت به ولایت، خط بطلان کشیدن بر سکولاریسم در همه‌ی ابعاد و اشکال آن به‌ویژه جنایی دین از سیاست و حکومت است.

نصب امیرالمؤمنین به‌معنای فراگیری قلمرو دین نسبت به دنیای مردم است و همه‌ی امور اجتماعی باید در چارچوب طرح مدیریتی و هدایتی دین جریان یابد و سیستم حکومتی بخشی از نقشه‌ی راه جامع دین برای سعادت دنیا و آخرت مردم است. به عبارت مرحوم مدرس رحمه‌الله‌علیه: دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ماست. پس نصب علی علیه‌السلام به‌معنای نفی همه‌ی اشکال سکولاریسم است و نپذیرفتن آن به‌معنای سکولاریزه کردن اسلام است.

آنچه در صدر اسلام رخ داد و تن به نصب امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام ندادند، در واقع نقطه‌ی آغاز سکولاریسم در اسلام است. در واقع کنار زدن حضرت علی علیه‌السلام از منصب امامت و ولایت جامعه در صدر اسلام، نقطه‌ی آغاز سکولاریسم در جامعه‌ی اسلامی است. نصب آن حضرت به ولایت، خط بطلان کشیدن بر سکولاریسم در همه‌ی ابعاد و اشکال آن به‌ویژه جنایی دین از سیاست و حکومت است. روشن است که اسلام راضی به ترک و نادیده گرفتن احکام خویش نیست و دستور به رعایت آن می‌دهد. بنابراین هم در متن دین مسائل اجتماعی آمده است و هم آن احکام از منظر دین باید اجرا شود و هم برای مجری آن شرایط خاصی تعیین شده و آن شرایط از منظر دین لازم‌الاجراست و اگر این مجموعه‌ی آموزه‌ها را در نظر بگیریم، وجود حکومت برای اجرای آن‌ها از ضروریات است. علاوه بر آنکه مسلمانان از اتکا و رجوع به حکام جور نهی شده‌اند و حکام جور مصداق طاغوت نامیده شده‌اند. پس باید حکام حقی بر جامعه‌ی اسلامی حکم‌فرمایی کنند.

برخی معتقدند که حتی اگر حکومت دینی باشد هم نیازی نیست خود را مکلف به سعادت اخروی انسان‌ها بداند؛ به زبان ساده، معتقدند که حکومت مسئول بهشت بردن انسان‌ها نیست. این گزاره تا چه‌اندازه صحیح است؟

ان‌شاءالله که کسانی که چنین سخنی می‌گویند یا از آن دفاع می‌کنند متوجه لوازم سخن خود نیستند. در اسلام احکام کیفری داریم و بخشی از حقوق اسلامی حقوق جزاست. مثلاً ما در اسلام حکم قصاص را داریم. این حکم قصاص لازم‌الاجراست یا خیر. اگر لازم‌الاجراست که مسلماً هم لازم‌الاجراست. آیا اجرای آن جنبه‌ی بازدارندگی دارد و موجب ترک جرم می‌شود؟ اگر می‌شود که مسلماً هم به‌لحاظ دینی، هم به‌لحاظ عقلی و هم به‌لحاظ تجربی جنبه‌ی بازدارندگی دارد و نزدیک به بدیهی است که چنین اثری دارد. آیا بازدارندگی آن به این معنا نیست که دیگران را از جهنمی شدن حفظ می‌کند و زمینه‌های ورود به بهشت را برایشان فراهم می‌سازد؟ پس طبق بیانات و آموزه‌های اسلامی، دولت اسلامی موظف به اعمالی است که مردم را به بهشت ببرد و از سقوط در جهنم بازدارد. پس نسبت به بهشت رفتن و جهنم نرفتن مردم مسئولیت دارد. دست‌کم یکی از فلسفه‌ها و حکمت‌های احکام کیفری و از جمله جعل حکم قصاص، به بهشت رفتن و جلوگیری از جهنم رفتن مردم است و قسوی قضایی‌ه‌ی ما یا دیگر نهادهای مربوط، مأمور به چنین وظیفه‌ای هستند.

آیا امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر بر همه‌ی مسلمانان واجب است؟

وجوب آن از مسلمات اسلام است. آیا نتیجه‌ی امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر به بهشت بردن و از جهنم نجات دادن مردم نیست؟ وقتی شرط احتمال تأثیر در مورد امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر در آموزه‌های اسلامی مطرح می‌شود، معنایش این است که این دستور صرفاً یک دستور عبادی نیست که باید انجام گیرد و به اثرگذاری یا عدم آن نظری ندارد؛ یعنی این فریضه‌ی الهی برای بهشت بردن مردم است.

ارشاد جاهل در همان محدوده‌ای که فقها فتوا داده‌اند، واجب است. آیا وجوب آن به‌این معنا نیست که مسلمانان مأمور به انجام آن هستند و آیا نتیجه‌ی ارشاد جاهل و هدف از آن، جز این است که مردم راه رفتن به بهشت را به دست آورند و با پیمودن آن به بهشت بروند. پس کسی که ارشاد جاهل می‌کند، می‌خواهد طرف مقابلش را به بهشت ببرد.

آیا حرمت‌نگهداری کتب گمراه‌کننده جزیرای پاسخ‌گویی به آن یا مصلحت اهم دیگری، به‌معنای جلوگیری از جهنمی شدن انسان‌هاتیست؟

به نظر می‌رسد این تفکر از یک منظر، افراطی‌ترین شکل سکولاریسم را در درون خود دارد. زیرا سکولارها می‌گفتند دین به دنیای مردم و مسائل سیاسی و اجتماعی کاری ندارد و ناظر به تأمین آخرت مردم است. طبق این دیدگاه، دین حتی برای آخرت هم دستوری به مردم نمی‌دهد که مردم را به‌سوی بهشت راهنمایی کنید. زمینه‌های آن را فراهم کنید و عوامل شناختی و انگیزشی آن را ایجاد کنید و از رفتن مردم به جهنم جلوگیری کنید.

سکولارها می‌گفتند دین به دنیای مردم و مسائل سیاسی و اجتماعی کاری ندارد و ناظر به تأمین آخرت مردم است. طبق این دیدگاه، دین حتی برای آخرت هم دستوری به مردم نمی‌دهد که مردم را به‌سوی بهشت راهنمایی کنید، زمینه‌های آن را فراهم کنید و عوامل شناختی و انگیزشی آن را ایجاد کنید و از رفتن مردم به جهنم جلوگیری کنید.

از سوی دیگر، ابعاد فردی و اجتماعی انسان به‌صورت یک ارگانیسم درهم‌تنیده است و فردی‌ترین مسائل انسانی، پیوندی با بُعد اجتماعی او دارد و اینکه انسان‌ها به‌صورت ایزوله و جدای از اجتماع زندگی کنند، عملاً نزدیک به محال است. به تعبیر دیگر، هر فعالیتی که انسان انجام می‌دهد، بُعدی اجتماعی دارد و با رویکردی اجتماعی قابل بررسی است. اسلام هم با همین منظر برای انسان برنامه‌ریزی کرده و به همین دلیل است که مرحوم علامه طباطبایی می‌فرمایند: «الاسلام اجتماعی فی کل شئونه»؛ اسلام در همه‌ی شئونش اجتماعی است. در واقع دینی که می‌خواهد چنین انسانی را هدایت و مدیریت کند، اگر در همه‌ی شئونش اجتماعی نباشد، قادر به هدایت و مدیریت چنین انسانی نیست.

سکولارها می‌گفتند دین به دنیای مردم و مسائل سیاسی و اجتماعی کاری ندارد و ناظر به تأمین آخرت مردم است. طبق این دیدگاه، دین حتی برای آخرت هم دستوری به مردم نمی‌دهد که مردم را به‌سوی بهشت راهنمایی کنید، زمینه‌های آن را فراهم کنید و عوامل شناختی و انگیزشی آن را ایجاد کنید و از رفتن مردم به جهنم جلوگیری کنید.
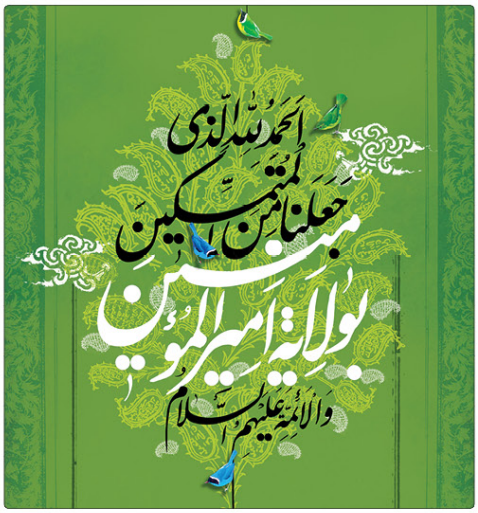
از سوی دیگر، وقتی به متون دینی (آیات و روایات) رجوع می‌کنیم، می‌بینیم در متن دین، آموزه‌ها و احکام اجتماعی فراوان وجود دارد که از آن جمله اشاره به سیستم حکومتی و ویژگی‌های حاکم است. روشن است که اسلام راضی به ترک و نادیده گرفتن احکام خویش نیست و دستور به رعایت بهشت را برایشان فراهم می‌سازد؟ پس طبق بیانات و آموزه‌های اسلامی، دولت اسلامی موظف به اعمالی است که مردم را به بهشت ببرد و از سقوط در جهنم بازدارد. پس نسبت به بهشت رفتن و جهنم نرفتن مردم مسئولیت دارد. دست‌کم یکی از فلسفه‌ها و حکمت‌های احکام کیفری و از جمله جعل حکم قصاص، به بهشت رفتن و جلوگیری از جهنم رفتن مردم است و قسوی قضایی‌ه‌ی ما یا دیگر نهادهای مربوط، مأمور به چنین وظیفه‌ای هستند.